

"کاف" مثل کتاب، "میم" مثل مجله

در وصف مجله کتابدار ۲.۰

... کتابدارم...

من دگر هیچ ندارم...

این تلگرام شده داروندارم ...

در هیاهوی همین آشفته بازار

حسین حیدری بنهاده گلزار...

گروهی با ستارگان رخشان..

قدم بنهاد بر فرق آسمان....

دبیر و لایق و خوش قلب امیر است

خودش یه پا مدیر اما سردبیر است

دبیر یک مجله که غوغا کرده در کار

همه اهلش بوند نیکوگفتار

هله! اهل مجله، اهل کارند

همه دنبال علم اند و مجالند

حسین است و امیر، اندیشه خلاق

سه تن ریشه و ما باشیم همه ساق

محمد، میثم و میلاد و تارا....

نسیم و گندم و زیباییات و آلا

ببخشا عذر من را ای رفیقا!! تبردم نام سایر، ای دریغا...

خلاصه پروراند از کل ایران

مجله در خودش چون ما جوانان

یکی گُرد و یکی ترک و یکی اهل خراسان

یکی لر، اهل سیستان، اهل تهران

خلاصه کارمان خارج ز مرز است

بلی، ایراد آن مو لای درز است...

نمی‌دانم چه میدانی زکار یک کتابدار؟

ولی کارش برابر می‌کند با یک پرستار

یکی سم از تنت بیرون نماید!

یکی روح تو را مجنون نماید!!

خلاصه اهل فن سرزنده بادا

ز هر قشری که هست پاینده بادا

ز عمر این گروه شش ماه بگذشت

بیامد عید و حول حال بگذشت

بهاران در ره است، ما هم بر آنیم

در ایران رشتمان احیا بداریم....

شاعر: فاطمه ترابی

مشخصات استناددهی به این مقاله

فاطمه ترابی	نویسنده (ها):
”کاف“ مثل کتاب، ”میم“ مثل مجله	عنوان مقاله:
کتابدار ۲.۰ – (عنوان لاتین: 2.0 i-Kitābdār)	عنوان مجله:
۱	دوره مجله (Vol):
۵	شماره مجله (Issue):
۱۳۹۴	سال (Year):
	شناسه دیجیتال (DOI):
http://lib2mag.ir/2609	لینک کوتاه: